

احصاء و تبیین روش‌های آسیب‌زا در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

رحیم احمدی،^۲ روح‌الله کریمی خویگانی،^۳ صادق رضایی^۴

از صفحه ۱۱۹ تا ۱۵۸

چکیده

زمینه و هدف: یکی از عوامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گسترش همه‌جانبه آموزش و تربیت صحیح و کارآمد نیروی انسانی است. هدف از پژوهش حاضر، احصاء و تبیین روش‌های آسیب‌زا در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین بوده که پژوهش‌گر ضمن معرفی مهم‌ترین روش‌های تربیتی، آسیب‌های هر کدام از آنها را احصاء کرده است.

روش‌شناسی: روش این پژوهش توصیفی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع مطالعه کیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان سال دوم با سابقه خدمت در یگان‌های مختلف در ناجا بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد ۱۷ نفر تا اشباع نظری با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به سوالات پاسخ دادند.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش آسیب‌های پنج روش تربیتی، تشویق، تنبیه، آمادگی جسمانی، اعطای مسئولیت و محبت در دو مقوله مشکلات رفتاری و مشکلات هیجانی با مؤلفه‌های گوناگون دسته‌بندی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش روش‌های تربیتی موجود در دانشگاه آسیب‌هایی را به همراه دارد که احصاء و پرداختن به آنها می‌تواند در راستای تربیت بهینه دانشجویان مفید واقع شود.
واژه‌های کلیدی: تربیت، آسیب، روش‌های تربیتی، منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین.

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲- کارشناس ارشد فرماندهی آموزشی دانشگاه علوم انتظامی امین.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین. نویسنده مسئول. (رایانامه: hosein.m137@yahoo.com)

۴- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین. (رایانامه: sadeghrezaee61@gmail.com)

مقدمه

اصولاً عالی‌ترین هدف ادیان آسمانی، تعلیم و تربیت بشر، یعنی تهذیب نفس، تعدیل تمایلات و غرایض و بالا بردن روح و عقل بشر به عالی‌ترین سطح کمالات او بوده است (حجتی، ۱۳۷۰، ص ۱۵). دین اسلام برای همه ابعاد زندگی بشر برنامه دارد و نظام آموزش و پرورش می‌کوشد تا تربیت دانش‌آموزان و دانشجویان ماهیت دینی داشته باشد؛ اما با توجه به این‌که تربیت ذاتاً به‌گونه‌ای است که نتایج آن تدریجی حاصل می‌شود، در برخی موارد نتایج جالب توجهی به‌دست نیامده است. روشن است که نرسیدن به نتایج مورد نظر، علاوه بر دیر نتیجه دادن ذاتی تربیت، به مسائل دیگری نیز مربوط می‌شود (باقری، ج ۲، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳).

تربیت مهم‌ترین مقوله در فرهنگ هر جامعه است. بحث تربیت و آسیب‌های آن همواره در طول تاریخ، مورد توجه انسان‌ها بوده و خانواده‌ها به تناسب مذهب و فرهنگ خود، از شیوه‌های تربیتی مختلفی استفاده می‌کردند. تربیت اسلامی فرایندی است که از خانه آغاز می‌شود و در سنین بالاتر تکمیل یا تصحیح می‌شود. طی کردن چنین مسیری البته با توجه به پیش‌بایست‌های آن، یعنی تشکیل خانواده، انتخاب همسر، انعقاد نطفه و نوع پرورش طفل زمانی می‌تواند موفق باشد که از طریق برنامه‌های آموزشی رسمی-غیر رسمی به‌درستی آموزش داده شود. آنچه در این میان اهمیت دارد، وجود عوامل بسیار زیاد در این فرایند است که گاهی مانعی برای تربیت صحیح اسلامی یا حتی خنثی کردن اثرات تربیتی خانواده و نقش والدین است. ظهور وسایل ارتباط جمعی نظیر ماهواره و اینترنت در دنیای امروزی، عاملی برای آسیب زدن به نسل جدید و ارزش‌های اسلامی آنها است. فقدان محتوای مناسب درسی یا ضعف بنیه علمی مدرسان و مربیان، از نظر صلاحیت حرفه‌ای و عدم اجرای صحیح برنامه تدوین‌شده در هنگام عمل، بر تربیت اسلامی نسل جوان و به‌ویژه دانشجویان، آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

بیان مسئله: تشخیص ندادن روش‌های درست از نادرست در تعلیم و تربیت، یکی از مشکلات عمده این حوزه به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو در قلمرو روش‌های تربیتی، نواقص و باورهای نادرستی در بین مردم و برخی از مربیان تربیتی وجود دارد که روند تعلیم و تربیت را با کندی و آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌کند. بسیاری از اولیا و مربیان به دلیل

عادت‌ها و باورهای انتقال‌یافته از نسل‌های گذشته، روش‌های مورد استفاده خود را درست می‌پندارند و بر استفاده از آنها اصرار می‌ورزند و چه بسا آن را تأیید شده دین و برخاسته از متن آن قلمداد می‌کنند، درحالی‌که ممکن است نظر دین، نفی آن روش باشد. آگاهی نداشتن از روش‌های نادرست و اصرار بر روش‌های غلط در این حوزه، ناخواسته مربیان را به انحراف می‌کشاند و امر تربیت را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. چه بسا رها کردن متریبان به حال خود (و تربیت نکردن آنها) بهتر از تربیت کردن از راه شیوه‌های نادرست باشد؛ زیرا در صورت اول احتمال دارد متریبی خود مسیر درستی را در زندگی انتخاب کند، ولی در صورت دوم، روش‌ها و برخوردهای نادرست مربی، او را در مسیر دیگری قرار می‌دهد و نتیجه‌ای جز تربیت مسموم ندارد. از طرفی بحث تربیت و آسیب‌های آن همواره در طول تاریخ، مورد توجه انسان‌ها بوده و خانواده‌ها به تناسب مذهب و فرهنگ خود، از شیوه‌های تربیتی مختلفی استفاده می‌کردند.

تربیت اسلامی فرایندی است که از خانه آغاز می‌شود و در سنین بالاتر تکمیل یا تصحیح می‌شود. طی کردن چنین مسیری البته با توجه به پیش‌بایست‌های آن، یعنی تشکیل خانواده، انتخاب همسر، انعقاد نطفه و نوع پرورش طفل زمانی می‌تواند موفق باشد که از طریق برنامه‌های آموزشی رسمی-غیر رسمی به‌درستی آموزش داده شود. آنچه در این میان اهمیت دارد، وجود عوامل بسیار زیاد در این فرایند است که گاهی مانعی برای تربیت صحیح اسلامی یا حتی خنثی کردن اثرات تربیتی خانواده و نقش والدین است. ظهور وسایل ارتباط جمعی نظیر ماهواره و اینترنت در دنیای امروزی، عاملی برای آسیب زدن به نسل جدید و ارزش‌های اسلامی آنها است. فقدان محتوای مناسب درسی و یا ضعف بنیه علمی مدرسان و مربیان، از نظر صلاحیت حرفه‌ای و عدم اجرای صحیح برنامه تدوین‌شده در هنگام عمل، بر تربیت اسلامی نسل جوان و به‌ویژه دانشجویان، آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

در مورد روش‌های آسیب‌زا، آنچه تاکنون به نگارش در آمده است یا اثر پژوهشی نبوده و در حد یک تذکر و هشدار به ذکر آفت‌های تربیت پرداخته شده یا مجموعه‌ای از تجربه‌های بالینی یک روان‌شناس و مشاور است که به رشته تحریر در آمده و با گزاره‌های دینی و نظریه‌های آن ارتباطی ندارد؛ افزون‌براین، به نظر می‌رسد کتابی که به‌صورت جامع و اختصاصی به بررسی این‌گونه روش‌ها، از منظر دین پرداخته باشد،

هنوز نگاشته نشده یا حداقل نگارنده، در بررسی‌های خود، به آن دست نیافته است؛ البته شماری از این روش‌ها، در بعضی از کتاب‌ها به صورت پراکنده، تا حدی مورد بررسی قرار گرفته است (قائمی مقدم، ۱۳۸۵).

یکی از مهم‌ترین و بااهمیت‌ترین منابع انسانی در نیروی انتظامی، دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین هستند که قریب به ۴ سال از طلایی‌ترین دوران عمر خود را صرف یادگیری علوم و فنون انتظامی می‌کنند. در حال حاضر روش‌های متعددی در فرایند تربیت دانشجویان از سوی فرماندهان به کار گرفته می‌شود، از بدو ورود دانشجویان که با مراسم استقبال با رویکرد تربیتی لحاظ شده تا مراسم فارغ‌التحصیلی و بدرقه دانشجویان، رویکردها و شیوه‌های متعددی در راستای آموزش و تربیت دانشجویان به کار گرفته می‌شود. در این بین، برخی کارشناسان معتقدند که بعضی از روش‌ها، شیوه‌ها و رویکردهای تربیتی برای دانشجویان آسیب‌زا است و نیاز است که نسبت به بررسی و تجدید نظر یا اصلاح آنها گام برداشته شود؛ به عنوان مثال در فرایند ارتقای آمادگی جسمانی، مثلاً اگر در سابق بدون گرم کردن بدن افراد، دستور بدو بایست داده می‌شد، در حال حاضر اصلاح شده است و پس از احصاء آسیب‌های موجود، برخی از روش‌ها از جمله پامرغی، کلاغ‌پر و... حذف شدند یا مثلاً در بعد تربیتی و نظر به احترام به شخصیت دانشجویان، بر اساس مصوبه کمیسیون تربیت دینی و انقلابی اسفند ماه سال ۱۳۹۶، از قرائت اسامی آنها در میدان صبحگاه، به عنوان تنبیهی، حذف شدند. بنابراین با عنایت به این که پژوهش‌گر خود از فرماندهان صف است و قبلاً نیز دوران دانشجویی را با همین فرایند و شیوه‌های تربیتی گذرانده است، به دنبال پاسخ برای این دغدغه خود است که روش‌های آسیب‌زا در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟ همچنین به سؤالات زیر در این پژوهش پاسخ داده خواهد شد:

- روش‌های آسیب‌زای تشویق در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟
- روش‌های آسیب‌زای تنبیه در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟
- روش‌های آسیب‌زای محبت در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟
- روش‌های آسیب‌زای اعطای مسئولیت در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

– روش‌های آسیب‌زای آمادگی جسمانی در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

مبانی نظری پژوهش: تربیت از ریشه ربو گرفته شده است و از باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی لحاظ شده است، بنابراین، واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم کردن زمینه فزونی پرورش است. معادل آن Education دارای دو ریشه است به این شرح: Educare که به معنای «تغذیه» یا خوراک دادن است و Educere که به معنای «بیرون کشیدن»، «رهنمون به» و «پروراندن» است. بدین ترتیب، ریشه دو واژه Education و «تربیت» معنایی کمابیش یکسان دارند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

روش‌های تربیتی: با توجه به نظریات اشاره شده در مبانی نظری به صورت کلی روش‌های متعددی از تربیت در منظر اسلام و دیدگاه‌های روان‌شناسی مستتر است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد

۱- روش مسئولیت‌پذیری: روش مسئولیت‌پذیری عبارت است از: «افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط تا به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام‌های درونی تبعیت کند که احساس مسئولیت یا احساس تکلیف نامیده می‌شود.» به عبارت دیگر، معنای مسئولیت این است که مددجو دیگران را به خاطر احساسات، افکار، تکانه‌ها و رفتارهای خود سرزنش نکند و مسئولیت آنها را بپذیرد و بداند آنچه را به دیگران نسبت می‌دهد (فرافکنی‌ها) در واقع متعلق به خود اوست (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

در انسان، دو نوع خود وجود دارد: خود طبیعی و خود معقول؛ به تبع آن، دو نوع مسئولیت ایجاد می‌شود: مسئولیت عمومی و مسئولیت عالی. اولی ناظر بر مسئولیت خود طبیعی است و دومی ناظر بر مسئولیت ایجاد شده در خود معقول. مورد اخیر در حیطه ارزش‌های عالی قرار می‌گیرد و ضامن عمل به آن شخصیت انسان است، نه اجبار عوامل خارج از شخصیت؛ مانند مقررات اجتماعی و کیفر و پاداش‌های بیرونی (ساسانی، ۱۳۸۹).

حوزه مسئولیت انسان شامل مسئولیت فردی، خانوادگی، اجتماعی، نزدیکان و

مسئولیت در برابر عهد و پیمان الهی است (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۸۰). تناسب تکلیف با توان فرد و عمل به تکالیف از جمله نکات مهم در جهت افزایش مسئولیت است. تناسب تکلیف با ظرفیت و توان نوجوان از بروز احساس شکست در او جلوگیری می‌کند؛ احساسی که منجر به تسلیم شدن و سلب مسئولیت فرد می‌شود. در حوزه عمل قرار گرفتن نیز موجب افزایش حس مسئولیت شده، یک احساس ارزشمند و عشق را در دل انسان پدید می‌آورد، اما قرار گرفتن در دایره «آرزوها»، به بی‌اعتنایی نسبت به پذیرش مسئولیت و سلب اختیار و در نتیجه، «شکست» می‌انجامد؛ شکستی که احساس بی‌ارزشی را در پی دارد. امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «عمل را رفیق خود قرار ده، اما آرزویت دشمن توست» (ساسانی، ۱۳۸۹).

از جمله روش‌های پرکاربرد برای پذیرش مسئولیت در نوجوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. روش تکلیف به قدر وسع و توان فرد (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).
 ۲. روش مدارا با خویشتن و اعطای مسئولیت‌هایی متناسب با علائق و گرایش‌های فرد.
 ۳. روش مواجهه با نتایج اعمال و تکیه بر قضاوت فرد نسبت به عملکرد خود با استفاده از فن سؤال باز و انعکاس احساسات (ساسانی، ۱۳۸۹).
 ۴. روش ابتلا و قرار دادن فرد در موقعیت‌های متفاوت.
- روش‌های مزبور بر اساس حب ذاتی و تمایل انسان نسبت به خود هستند؛ تمایلی خودخواهانه، ابتدایی و با کاربردی عمومی؛ اما روش تحریک ایمان برای افرادی که ایمان قلبی دارند و برای کسب رضای الهی تلاش می‌کنند، کاربرد بیشتری دارد (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷).

۲- روش محبت: محبت ظریف‌ترین و بهترین شیوه تربیتی است که مربیان می‌توانند در تربیت متربیان خود از آن بهره‌گیرند. برای محبت انواعی را می‌توان برشمرد که ما به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. ملاک محبت در همه این انواع وجود یک صفت کمالی در آنها است که با درک آن احساس محبت در انسان ایجاد می‌شود (فقیهی، ۱۳۹۲).

الف - روشن‌ترین تجلی محبت فطری در مادر وجود دارد و نشانه‌اش این است که از دیدن و در آغوش گرفتن و نوازش کردن و پرستاری طفل خود لذت می‌برد و راحتی و سلامتی خود را نثار او می‌کند و تحمل فراق و دوری او برایش سخت و دشوار است (فقیهی، ۱۳۹۲). مادر پرتو این عشق و محبت مقدس، وقتی از فرزند خود جدا می‌شود، شدیداً علاقه دارد که به دیدن فرزند خود نائل شود؛ اما وقتی دوران هجران به سر می‌رسد و او به ملاقات فرزندش نائل می‌شود، باز آن عشق و محبت فروکش نمی‌کند و کماکان اشباع نشده باقی می‌ماند؛ از این‌رو، اگر مانعی وجود نداشته باشد و خجلت و حجب و حیا و حضور دیگران مانع او نشوند، به هر نحوی سعی می‌کند محبت خویش را اشباع کند. مثلاً، فرزند خویش را در آغوش می‌کشد و او را غرق بوسه‌های خویش می‌کند، اما بازمی‌نگرد که آن عطش فروزان خاموش نگشت. از این جهت، محبت مادری از شکوه‌مندترین تجلیات محبت فطری است و مظاهر آن همواره مورد توصیف و ستایش نویسندگان و شاعران بوده است. هم‌چنین محبت پدر نسبت به فرزند از روشن‌ترین تجلیات فطری به‌شمار می‌رود (داودی، ۱۳۹۱، ص ۶۰).

ب - مشابه محبت فوق، میان فرزند و والدین و خواهر و برادر و سایر افراد خانواده که رشته طبیعی ویژه‌ای ایشان را به هم پیوند داده وجود دارد (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۳).

ج - تجلی دیگر محبت در میان همه هم‌نوعان مشاهده می‌شود که رابطه کلی انسانیت ایشان را به هم پیوسته است و هر قدر روابط انسانی دیگری به آن ضمیمه شود (مانند رابطه همشهری، همسایگی، هم‌سنی، همسری، هم‌کیشی و هم‌مسلمی و ...) بر شدت آن می‌افزاید. چنان‌که ملاحظه می‌کنید، در موارد فوق جذب و انجذاب و رابطه محبت بین دو عنصر باشعور جاری است، از این جهت عشق و محبت دوسویه و دوطرفه است و به تناسب شدت یافتن جذب و محبت در محبوب، انجذاب و محبت در عاشق و محب فروزان‌تر و برانگیخته‌تر می‌شود؛ اما در مواردی که محبوب بی‌شعور و فاقد درک و بی‌جان است، محبت و جاذبه یک‌سویه و یک‌طرفه است (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴).

د - تجلی دیگر محبت در علاقه انسان به اشیایی است که در زندگی مادی از آنها بهره‌مند می‌شود و به جهت نقشی که در تأمین نیازمندی‌های زندگی می‌توانند داشته باشند، با آنها ارتباط پیدا می‌کند؛ مانند علاقه به مال، ثروت، لباس، مسکن و غذا. برخی از این امور مستقیماً مورد نیاز انسان هستند و نیازمندی‌های انسان را تأمین می‌کنند،

مثل غذا و لباس و برخی از آنها واسطه در تأمین نیازمندی‌های انسان می‌باشند؛ مثل پول و ثروت (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵).

ه - تجلی دیگر محبت در انسان نسبت به جهان و اشیای جمیل و مخصوصاً انسان‌های زیبا نمودار می‌شود. یعنی اشیایی که حسّ زیبادوستی انسان را ارضا و با روان او ارتباط پیدا می‌کنند: با دیدن گل‌ها، پرندگان و انسان‌های زیباروی، جمال و زیبایی آنها موجب انبساط خاطر انسان می‌شود و چون آن ویژگی با خواسته‌ها و تمایلات انسان ملایمت دارد، موجبات خرسندی و خوشوقتی و خوشحالی او را فراهم می‌آورد. البته این امر نسبی خواهد بود و ممکن است چیزی را شخصی زیبا ببیند و همان را شخصی دیگری نپسندد و در نظرش نازیبا و نامطبوع جلوه کند. مثلاً، در جهان طبیعت، رنگ‌هایی وجود دارد که در نظر برخی زیبا و خوش‌منظر و در نظر برخی دیگر نازیبا و ناخوشایند است و حتی برخی از حیوانات به آن جذب می‌شوند و برخی از آن می‌رمند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

بی‌تردید در اشیای محسوس و مرئی صورت ظاهری محبوب به نحوی است که وقتی انسان آن را درک می‌کند و جمال آن را متناسب با خواسته‌ها و ملایم با تمایلات و مطبوع طبع خویش می‌یابد، نسبت به آن جذاب و محبت در انسان ایجاد می‌شود و به جهت این ملایمت است که می‌گویند آن شیء دارای جمال است و به واسطه جمالش جاذبه‌ای دارد که دل را متوجه خودش می‌کند و کششی دارد که حواس و عواطف انسان را به سوی خود جلب می‌کند (داودی، ۱۳۹۱، ص ۶۳).

و - مشابه محبت به جمال ظاهری، علاقه‌ای است که به جمال‌های معنوی تعلق می‌گیرد؛ مانند زیبایی مفاهیم، تشبیهات، استعارات، کنایات و زیبایی الفاظ و ترکیبات نظم و نثر که مورد علاقه شاعران و خوش‌طبعان واقع می‌شود. بی‌تردید این نوع زیبایی‌ها نامرئی و غیر قابل رؤیت هستند و تنها با قوای باطنی مثل قوه خیال، آن هم برای افراد خاصی که لطافت‌ها و ظرافت‌های شعری و ادبی را درک می‌کند، قابل درک است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

هم‌چنین علاقه به کمال و جمال روحی و اخلاقی چون خلق نیکو، سخاوت، شهامت، ایثار و گذشت که مورد ستایش روان‌شناسان و علمای اخلاق می‌باشند. هم‌چنین زیبایی

عقلانی، مانند زیبایی نظام هستی که از نحوه چینش و رابطه بین موجودات و نظم حاکم بر آنها، عقل انسان چنین جمالی را درک می‌کند و عظمت این جمال مورد اعجاب و شگفتی حکیمان و فیلسوفان قرار گرفته است (باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۸۸). بالاتر از همه، زیبایی وجودی است که با درک و شهود عرفانی حقیقت وجود، قابل درک است و برحسب این درک، هر موجودی به لحاظ وجود و مرتبه وجودی‌اش در نظر عارف زیبا است و در نظر او هر موجودی به اندازه‌ای که از خلقت الهی و از وجود بهره‌مند باشد، زیبا و لذت‌بخش خواهد بود. این درک شهودی از فرموده خداوند نیز استفاده می‌شود، آنجا که فرمود: *الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ؛* او همان کسی است که نیکو ساخت هر چه را آفرید (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶).

بر اساس آیه فوق، خلقت با حسن و نیکویی توأم شده است و خداوند هر چیزی را زیبا آفریده است و هر موجودی که بهره بیشتری از هستی دارد و مرتبه وجودی‌اش قوی‌تر و کامل‌تر باشد، جمال آن بیشتر و مشاهده آن لذت‌بخش‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر هر موجودی به اندازه ظرفیت خود پرتوی از نور جمال احدی را نمودار می‌کند و هر قدر کامل‌تر باشد، تجلیات بیشتری از آن را منعکس می‌کند (قائمی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶). بنابراین، موجودات به جهت ارتباطی که با خداوند و جمال ربوبی دارند و بدان جهت که جلوه و تجلی افعال و صفات الهی هستند، در نظر عارف زیبا جلوه می‌کنند.

۳- روش آمادگی جسمانی: البته شاید آمادگی جسمانی در زمره روش‌های تربیتی ننگند، لیکن برای ارتقای آمادگی جسمانی باید از روش‌هایی بهره برد که همه آنها را در زیر روش‌های آمادگی خلاصه می‌کنیم.

متخصصان و معلمان در زمینه اولویت دادن به حرکات و مهارت‌های ساده، بازی‌ها و تمرینات آمادگی جسمانی سه دوره کودکی، نوجوانی و جوانی دیدگاهی کاملاً یکسان دارند، به طوری که اولویت این نیازها در هر سه دوره اولویت اول با حرکات و مهارت‌های ساده بوده و مهارت‌های جسمانی در رده دوم قرار می‌گیرند؛ بنابراین در هر سه دوره تمرینات و حرکات کششی، نرمش‌های سبک و ساده، تمرینات مربوط به حفظ وضعیت بدنی و حرکات خلاق و ابتکاری ضروری است. جالب این است که چنین حرکات و تمریناتی را می‌توان در برنامه ورزش صبحگاهی مدارس و شروع کلاس‌های تربیت بدنی گنجانند. هم‌چنین افزایش اهمیت تمرینات مربوط به آمادگی جسمانی با وجود

محدودیت‌هایی که در مدارس و دانشگاه‌ها وجود دارد، اهمیت و حساسیت حفظ آمادگی جسمانی را برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی، دبیرستان و دانشجویان آشکار می‌کند (هیلسون^۱، ۱۳۸۱، ص ۱۱۹).

نیازهای مهارتی و ورزشی کاملاً قابل تفکیک و تشخیص هستند و به همین دلیل تنوع بسیار زیادی در اولویت این نیازها در هر دوره وجود دارد.

نیازهای مهارتی- ورزشی کاملاً قابل تفکیک و تشخیص هستند و به همین دلیل تنوع بسیار زیادی در این اولویت وجود دارد. این تمرینات شامل مهارت‌های بنیادی، ورزش‌های پایه، ورزش‌های انفرادی و ورزش‌های تیمی هستند. اولویت ورزش‌های تیمی به ورزش‌های انفرادی در دوره نوجوانی و جوانی با توجه به نیازهای اجتماعی این گروه سنی قابل بررسی است. ورزش‌های گروهی در مدارس و دانشگاه‌ها با کمترین رقابت و بیشترین تعاون و همکاری می‌تواند بسیاری از نیازهای اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان و دانشجویان را برآورده کند که این امکان در سایر فعالیت‌های اجتماعی داخل و خارج مراکز آموزشی به سهولت وجود ندارد به‌ویژه این‌که در دوره جوانی باز هم اولویت ورزش‌های تیمی افزایش می‌یابد (هیلسون^۲، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱). طبق نظر روان‌شناسان تأکید بر ورزش‌های گروهی برای دانشجویان بیشتر است و نیز بر آموزش ورزش‌ها بیشتر تأکید می‌کنند که مدل آموزشی ترجیحی در اغلب کشورهای پیشرفته نیز است. با این وجود آموزش الگوهای بنیادی و ورزش‌های پایه با اصول رشد و یادگیری حرکتی با شناخت و پرورش استعدادها و ورزشی سازگار و متناسب است. نیاز به شناخت جنبه‌های زیستی، بهداشتی و تندرستی درس تربیت بدنی از نیازهای طبیعی و با ارزش است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

یکی از روش‌های متناسب بودن اهداف آمادگی جسمانی هماهنگی و سازگاری آن با نیازهای دانشجویان است. دانشمندان علوم تربیت بدنی به شیوع کم‌حرکی و تأثیر آن بر ارتقاء آمادگی جسمانی و آموزش مهارت‌های حرکتی اشاره می‌کنند برخی نیز تجربه کافی در مشارکت فعال ورزشی را از نیازهای اصلی دانش‌آموزان و دانشجویان تلقی

1- Hilson

2- Hilson

کرده‌اند (اولریچ^۱، ۲۰۰۲). با اینکه مراکز آموزشی باید سیاست‌هایی برای تشویق و حمایت از دانشجویان داشته باشند تا در فعالیتهای بدنی شرکت کرده و از منافع بلندمدت سلامتی و نگرش مثبت به فعالیتهای بدنی سود ببرند و بر محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی در این زمینه غلبه کنند موانع زیادی برای فعالیت بدنی در مراکز آموزشی وجود دارد. شاید به همین دلیل دانشجویان احساس می‌کنند مهارت‌های لازم و مناسب در ورزش ندارند و این موضوع نیز باعث یأس و مشارکت کمتر آنها می‌شود (میشل و گرین^۲، ۱۹۸۷).

۴- روش تشویق: روش تشویق به‌عنوان امری مسلم در تربیت اسلامی شناخته و پذیرفته شده است. اصولاً وجود بهشت و جهنم، انذار و تبشیر پیامبران، آیه‌های مربوط به پاداش و کیفر، وعده و وعیدهای شوق انگیز و خوفناک و ... همه جلوه‌هایی از تشویق و تنبیه هستند.

بدیهی است که وجود انذار و تبشیر برای هر تربیت متعادلی، ضروری است؛ زیرا اگر نیکوکار و بدکار از نظر جزا یکسان باشند، زمینه بی‌رغبتی نیکوکاران به کارهای نیک و جرأت یافتن بدکاران در ادامه تبهکاری‌ها فراهم می‌شود. بنابراین توصیه شده است که مربی میان فرد کوشا و تن‌آسا تفاوت بگذارد و همه را به یک چشم نگاه نکند، در تربیت اسلامی بیشتر بر تشویق تکیه شده است تا تنبیه؛ زیرا اصل حیات بر محبت و تفاهم استوار است (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۶).

۴-۱- نیاز متریبان به تحسین و تشویق: این خطا است که تصور کنیم آدمی چون بزرگ می‌شود و مسائل را می‌فهمد دیگر احتیاج به تشویق ندارد. بلکه اثر این تشویق به حدی است که پس از تمایلات فطری تا پایان عمر در وجود آدمی باقی می‌ماند. هیچ فردی نیست که از این امر بی‌نیاز باشد، همگان بدان محتاج هستند و آرزو دارند موقعیتی نصیبشان شود تا مورد تحسین و تشویق دیگران قرار بگیرند. رقابت‌ها و تلاش‌ها نیز اغلب بدین منظور است (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

در احادیث زیادی تأکید شده که انسان‌های خوب و بد نباید نزد شما مساوی باشند.

1- Olrich

2- Michael & Green

برای نمونه حضرت علی (علیه السلام) در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌نویسد: «انسان‌های نیکوکار و بدکار نزد تو مساوی نباشد؛ زیرا موجب این می‌شود که نیکوکاران در احسان کردن بی‌رغبت شوند و بدکاران به بدکاری عادت کنند.»

تشویق یکی از ابزار مهم تربیت است که مربی می‌تواند از آن بهره‌گیری و مربی را به کارهای نیک علاقه‌مند کند. مربی در سایه تشویق، از بسیاری از خواسته‌های خود چشم می‌پوشد و به راهی که مورد نظر مربی است، قدم می‌گذارد (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

تشویق به معنای به شوق آوردن، کار کسی را ستودن و او را دلگرم کردن است و در علوم رفتاری به‌عنوان عامل خوشایندی تعریف می‌شود که بعد از عرضه آن به فرد باعث تکرار رفتار در آن فرد می‌شود.

نیاز به تشویق از تمایلات فطری هر انسان است که تا پایان عمر در او باقی می‌ماند. این خطا است که تصور کنیم شخص از آن جهت که بزرگ شده است و خوب و بد را می‌فهمد، احتیاج به تشویق ندارد، زیرا بسیاری از تلاش‌ها و رقابت‌های بزرگسالان به‌منظور به‌دست آوردن تشویق و تحسین دیگران است (هرگنهان و السون^۱، ۱۳۸۸، ص ۲۲۷).

۴-۲- فواید تشویق: تشویق یک نیاز فطری است؛ بدین معنا که بعد از تشویق نیاز فرد برآورده می‌شود؛

- انسان، تشویق طلب و تنبیه‌گریز است؛
- تشویق باعث احساس رضایت درونی می‌شود؛
- تشویق نوعی تلقین قدرت است؛
- انسان غریزه‌ای دارد به نام غریزه «حب ذات» و تشویق باعث ارضای غریزه حب ذات می‌شود؛
- تشویق عامل ایجاد رغبت، شوق و انگیزه است؛
- تشویق یک عامل وادارکننده است که به انسان نیرو و انرژی می‌دهد؛
- تشویق روح شکست خورده مربی را ترمیم می‌کند؛

– تشویق عامل احیاء شخصیت فرد است؛

– تشویق باعث می‌شود فرد از یأس و بدبینی نجات یابد؛

گاهی یک تشویق به‌جا مسیر زندگی انسان را تغییر می‌دهد؛ رافوئل می‌گوید: یک بوسه مادرم که مرا در جمع تشویق کرد باعث شد تا من یک نقاش معروف در دنیا شدم؛ شخصی که مورد تشویق قرار می‌گیرد اعتماد به نفس در او تقویت می‌شود (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۴۶).

۳-۴- شیوه تشویق: تشویق گاهی زبانی است که مربی با دلجویی و بیان جملات محبت‌آمیز، رفتار و گفتار متربی را مورد تشویق قرار می‌دهد و او را به کار و راهش دلگرم و امیدوار می‌کند و گاهی عملی که مربی با به آغوش گرفتن کودک و نوازش او و نگاه توأم با لبخند و خرید شکلات، اسباب بازی، لباس و گردش او را به خاطر عملی که انجام داده است، می‌ستاید (حقیقی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

۴-۴- آثار تشویق: تشویق، خستگی و نومیدی را از متربی دور می‌کند و او را نسبت به هدف و راهی که انتخاب کرده است، امیدوار می‌کند. متربی با تحسین و تشویق، در صدد اصلاح ناسازگاری‌ها و نقاط منفی اخلاقی خود برمی‌آید و بسیاری از شیوه‌های غلط رفتاری خود را اصلاح می‌کند. تحسین رفتار و گفتار متربی باعث می‌شود که در سر دو راهی‌ها سرگردان نشود و در کاری که انجام می‌دهد، کوشاتر و جدی‌تر باشد (سیف، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷).

۵- روش تنبیه: یکی دیگر از روش‌های تربیتی، روش تنبیه است. تنبیه عامل ناخوشایندی است که بعد از این‌که فرد در معرض آن قرار گرفت، باعث خاموشی در رفتار او می‌شود. تنبیه در لغت به معنای آگاهی دادن و بیدار کردن است و در اصطلاح عبارت است از مجازات انسانی که کار ناپسندی را انجام داده و به‌منظور ترک کردن و جلوگیری از تکرار آن کار زشت از تنبیه استفاده می‌شود. زندگی انسان مبتنی بر ستیز میان خیر و شر است؛ چون انسان آمیزه‌ای از استعداد خیر و شر می‌باشد. طبیعت تربیت این است که در جامعه بشری، خیر و سعادت را بر

شر و سیه‌روزی، غالب و چیره کند. وقتی فردی از مسیر خیر و سعادت آن چنان گام فراتر نهد که پیروی از تمایلات نفسانی را بر هر چیزی ترجیح می‌دهد، باید به‌منظور هشدار از چنین انحرافی و جلوگیری از تکرار آن، از عامل تنبیه و مجازات استفاده کرد. البته استفاده از این عامل وقتی است که سایر عوامل تربیتی از تأثیر و کارایی در مورد فرد، نارسا و عاجز باشد. بنابراین تنبیه و مجازات که یکی از عوامل بازدارنده است، می‌تواند ضامن خیر و سعادت برای جامعه انسانی باشد (هرگنهان، ۱۳۸۸).

۵-۱- انواع تنبیه

۵-۱-۱- نوع اول: تنبیهات بدنی

تنبیهات بدنی عبارت است از کارهای دردآور و دشواری که به‌طور مستقیم روی بدن انسان اثر می‌گذارد و اسباب ناراحتی او را فراهم می‌آورد؛ مانند کتک زدن و شکنجه‌های جسمانی، کشتن، قطع عضو، سوزاندن (سیف، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

۵-۱-۲- نوع دوم، تنبیهات غیربدنی

عبارت است از اعمالی که به‌عنوان مجازات انجام می‌گیرد و موجب ناراحتی می‌شود، ولی روی بدن اثری ندارد، مانند توبیخ، سرزنش، تحقیر، حرف نزدن، قهر کردن، تندی و خشونت، زندانی کردن در اتاق تاریک، حبس کردن، منع از غذا و آب، تهدید، قطع پول توجیبی، دشنام دادن و مجازات‌هایی از این قبیل... (سیف، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸).

جمعی از دانشمندان اصل تنبیه را به‌عنوان یک عامل تربیتی می‌پذیرند، اما نه مطلقاً؛ بلکه به‌عنوان یک وسیله درجه دوم و در شرایط خاص و به‌هنگام ضرورت، استفاده از آن را مجاز می‌دانند. آنها می‌گویند تا زمانی که مربی می‌تواند با روش تشویق، استدلال و برهان، پند و اندرز یا بیان مصالح و مفاسد، در مربی اثر بگذارد، نباید از تنبیه استفاده کند، ولی اگر از تأثیر عوامل مذکور مأیوس شد می‌تواند از تنبیه استفاده کند، لیکن در حد محدود و با رعایت شرایط مخصوص. راسل می‌گوید: «من شخصاً عقیده دارم که مقام تنبیه در تربیت خیلی کوچک و درجه دوم است» (هرگنهان، ۱۳۸۸).

حیطه‌های تربیتی

۱- حیطه شناختی

شامل تمامی رفتارهایی است که با توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عقلانی مانند بازشناسی، یادآوری، بیان مطالب آموخته شده، تعبیر و تفسیر مطالب، قضاوت در مورد امور و پدیده‌ها، استدلال و مانند آنها مربوط هستند. وقتی که علم‌آموز معنای یک لغت را از میان چند کلمه مختلف تشخیص می‌دهد، قطعه شعری را از حفظ می‌خواند، مفهوم یک بیت را به صورت نثر می‌نویسد، یک مسئله ریاضی را حل می‌کند و در مورد یک متن ادبی اظهار نظر می‌کند، رفتار وی در هر یک از این موارد جزو حیطه شناختی محسوب می‌شود (اسمیت^۱، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

۲- حیطه عاطفی یا انفعالی

به رغبت‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و نظام ارزش‌ها مربوط است. علم‌آموزی را در نظر بگیرید که بر اثر گذراندن یک دوره آموزشی در ادبیات فارسی نسبت به متون ادبی علاقمند می‌شود یا از مطالعه تاریخ جنگ جهانی دوم نسبت به جنگ و تبعیض نژادی نگرش منفی پیدا می‌کند یا با خواندن شرح زندگی پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) اعتقاداتش نسبت به دین مبین اسلام راسخ‌تر می‌شود. تمامی این رفتارها در حیطه انفعالی یا عاطفی قرار دارند (اسمیت^۲، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

۳- حیطه روانی- حرکتی

شامل آن دسته از رفتارهایی است که با مهارت‌های عقلی و اعمال بدنی هر دو مربوط هستند. توانایی و مهارت علم‌آموزی در اموری مانند ماشین‌نویسی، نقشه‌کشی، نقاشی کردن، سیم‌کشی، پرش با نیزه و به‌طور کلی تمامی مهارت‌های مربوط به انجام کارهای عملی و فنی جزو حیطه روانی- حرکتی به‌شمار می‌روند (جئوفری، ۲۰۰۵). باید توجه داشت رفتارهای آموخته شده که در هر یک از حیطه‌های مذکور قرار می‌گیرند در عین حال با دو حیطه دیگر در ارتباط هستند و نمی‌توان گفت که یک توانایی یا مهارت آموخته شده صرفاً به یک حیطه مربوط است. به‌عنوان مثال علم‌آموزی که از عهده

1- smith

2- smith

ساختن یک رادیو برمی‌آید، باید اولاً اصول و مفاهیم آن قسمت از فیزیک را که در ساختن رادیو به کار می‌رود آموخته باشد (شناختی) و نسبت به این کار علاقمند شده باشد (عاطفی)، زیرا علاقمندی شرط تداوم کوشش در هر زمینه است تا سرانجام بتواند رادیویی بسازد (روانی-حرکتی) (اسمیت^۱، ۱۳۸۹، ص ۷۹).

آسیب در تربیت منابع انسانی

آسیب در لغت به معنای درد و رنج و ناراحتی است و در اصطلاح به معنای حالتی بیمارگونه که مانند کارکرد، بهنجار می‌شود. مفهوم ضمنی اصطلاح از نظر طبی این است که یک اختلال عضوی در کار است نه کارکردی (پورافکاری، نصرت ا...، ۱۳۷۳)

آسیب در لغت به معنای آفت، بیماری، اختلال و خطر آمده است و در فرهنگ فارسی چنین معنا شده است: «آسیب، زخم، عیب و نقص، درد و رنج، گزند، آزار، زیان و خسارت» (عمید، ۱۳۷۵، ص ۴۴).

آسیب در اصطلاح به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد یا از کارایی لازم می‌اندازد (دلبری، ۱۳۹۱).

ضعف‌ها، کاستی‌ها و شرایط پیرامونی که زمینه را برای بروز تهدید میسر می‌کند یا خود تهدیدساز می‌شود را آسیب گویند (چالوک، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

روش‌های شناختی آسیب‌زا در تربیت منابع انسانی

همان‌گونه که شناخت یکی از ضروریات زندگی هر انسان، جزء جدایی‌ناپذیر و از ابتدایی‌ترین نیازهای بشر در هر عصر و زمان و با هر اندیشه و افکار است، شناخت روش‌های شناختی آسیب‌زا نیز از ابتدایی‌ترین و اجتناب‌ناپذیرترین هنجارهای تربیتی در همه اعصار و قرون به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، تبیین این روش‌ها، به‌ویژه در جامعه کنونی که ابزار و وسایل اطلاعات و ارتباطات بسیار گسترده و غیر قابل کنترل در اختیار فرزندان است، از ضروریات امر تربیت به حساب می‌آید. با بررسی اجمالی شناخت و آگاهی از ضرورت و اهمیت آن و با توجه به اهمیت موضوع، در ادامه، انواع روش‌های

شناختی آسیب‌زا در امر تربیت بررسی می‌شود (امیرهومند، ۱۳۸۶).

۱- تقلید کورکورانه

تقلید در لغت به معنای آویختن چیزی به گردن حیوان (ضیاء‌آبادی، ۱۳۸۶: ۳۶) و در اصطلاح، به معنای پذیرش سخن دیگری بدون دلیل است (حلی، ۱۳۸۵، ص ۲۲) و به‌طور کلی، به چهار قسم تقسیم می‌شود که عبارت است از تقلید جاهل از جاهل، عالم از عالم، عالم از جاهل و جاهل از عالم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۴). سه قسم اول، هم از نظر عقلی و هم از نظر شرعی مردود می‌باشند و یا حتی حرام شمرده شده است، ولی قسم آخر، مجاز است و یا حتی یکی از ضروریات زندگی هر انسانی است؛ زیرا یک فرد قادر به کسب همه علوم مورد نیاز خود نمی‌باشد و به ناچار باید از دیگران تقلید کند.

۲- تقلید مرتبی از پیشینیان

در امر تربیت نیز هر دو تقلید مثبت و منفی وجود دارد. اما جنبه مثبت آن یا همان الگوبرداری، ضروری است و یکی از ملزومات تربیت به‌شمار می‌رود. ولی تقلید جاهلانه که مرتبان را بیشتر درگیر خود کرده، از روش‌های آسیب‌زا به‌شمار می‌رود. این روش از آن روی آسیب‌زاست که مرتبی به آثار سوء بسیاری از روش‌های تربیتی گذشتگان توجه نمی‌کند و با درست پنداشتن این روش‌ها به تربیت ناصحیح خود ادامه می‌دهد.

شاید دلیل تقلید مرتبان از روش‌های تربیتی گذشتگان، کافی دانستن مبانی شناختی تربیتی گذشته یا بی ارزش دانستن امر تربیت و یا هر دو باشد. مرتبان عزیز، از جمله مربیان و آموزگاران، باید بدانند که روش‌های تربیتی گذشتگان نیز هم‌چون بسیاری از آداب و رسوم آنان باید بازنگری و با مقتضیات زمان سنجیده شود؛ زیرا هرچه پیشرفت‌های علمی و فناوری حاصل می‌شود، به همان اندازه روش‌های تربیتی نیز باید به روز رسانی شود تا بتوان به خوبی از عهده این امر خطیر برآمد (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۴).

در اینجا شاید این شبهه مطرح شود که طبق قرآن و سنت، بازبینی روش‌های تربیتی، خود تقلید از گذشتگان است. در پاسخ باید گفت، چنان‌که قبلاً ذکر شد، پیروی از عالم، صحیح یا حتی ضروری است. قرآن نیز از طرف خالق انسان و عالم مطلق به همه احوالات او آمده است، سنت نیز که شامل سخنان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است، طبق گفته قرآن کریم، همان وحی است. پس این تقلید، در واقع، از نوع

تقلید کورکورانه نیست و کاملاً لازم و ضروری است. علاوه بر این، هنوز به طور جامع و کامل از این منبع بسیار غنی و ارزشمند بهره لازم برده نشده است تا بتوان گفت این آموزه‌ها نیاز به بازبینی دوباره دارند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

۳- تقلید بی‌معنای متربی

تربیت کردن، رها کردن آدمی از بسته‌ها و وابستگی‌ها، آزاد کردن از قدرت دیگران و آشنا ساختن او با قدرتی است که دارد. بنابراین تعریف، تربیت، فتح مداوم است، فتح وجود خویشتن، فتح قید و بندهای قراردادی و تحمیلی که از جانب بزرگسالان برای رام کردن، اهلی کردن و مطیع کردن بی‌چون و چرا به بهانه تأدیب و تربیت متربی اعمال می‌شود (کریمی، ۱۳۸۰)

والدین و مربیانی که به فرزندان مقلد خود بهای بیشتری می‌دهند و هدف از تربیت را تقلید هرچه بیشتر فرزند از خود می‌دانند، دچار این آسیب شده‌اند. آنها باید توجه داشته باشند که با چنین تربیتی، فرزندان بی‌اراده، وابسته و بدون اعتماد به نفس به ثمر می‌رسانند که قادر به رویارویی با مشکلات نیستند و در نتیجه، قادر به تربیت درست نسل بعد از خود نیز نمی‌باشد.

۴- تربیت مطابق با شرایط دوران مرتبی

انسان‌ها برای انجام هر کاری اهدافی را دنبال می‌کنند. هدف از تربیت نیز به طور جزئی، سلامتی روحی و جسمی فرزندان، آمادگی برای انجام مسئولیت‌های سنگین، پرورش روحیه متعادل و مقاوم در برابر مشکلات و ... می‌باشد (قائم‌مقدم، ۱۳۹۱، ص ۲۱) و به طور کلی، «پدید آوردن انسان‌های آزاد و دور و برکنار از هر گونه قید بندگی دیگران و اسارت گناه و مستقل از همه انحرافات و لغزش‌ها» است.

برای دستیابی به این اهداف و در راستای تحقق آن به روش‌های تربیتی نیاز است. این روش‌ها بازه زمانی متفاوت دارند. گاه تنها به دوران کودکی منحصر می‌شوند و پس از آن کارآمد نیستند، گاه برای تمام عمر کارایی دارند و گاه علاوه بر زندگی دنیوی، بر زندگی آخروی نیز تأثیر می‌گذارند. حال اگر هدف مرتبی، هدفی سطحی و پیش پا افتاده باشد یا تنها اهداف دنیوی را دنبال کند، به تربیتی دست خواهد زد که آینده‌نگر نیست و مشکل‌آفرین است.

در نظام تربیتی اسلام نیز به‌طور کلی، اهداف تربیت در سه مرحله کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قرار می‌گیرند که جملگی زمینه‌ساز هدف غایی تربیت می‌باشند که همان صراط مستقیم است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۶)

با توجه به آن‌چه پیرامون این موضوع مطرح شد، والدین و مربیان، باید به این نکته توجه کنند که زندگی متربیبان محدود به امروز نیست و باید آنها را به‌گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند قدرت مواجهه را در قبال تغییرات پی‌درپی در آینده افزایش دهند و خود را با آن تغییرات انطباق دهند. البته منظور از انطباق این نیست که افراد اجازه دهند تغییرات، آنها را دگرگون کند، بلکه انسان باید مهارت‌هایی کسب کند که با تکیه بر ارزش‌های درونی خود، ظرفیت پذیرش هر گونه تغییر را داشته باشد.

در این صورت، شخص نسبت به تغییرها گرایشی مثبت، انعطاف‌پذیر و سازگار دارد و به‌جای آن‌که تغییر را یک مشکل به حساب آورد، از آن به‌عنوان یک فرصت استفاده می‌کند (حیدری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷)؛ بنابراین، تربیت آینده‌نگر، یعنی آموزش مهارت‌های سازگاری با شرایط روز به فرزندان با هدف آسیب‌پذیری کمتر آنان در مقابل تغییرات.

۵- موعظه و نصیحت نابجا و بی‌توجه به ارکان آن

موعظه به کلمات و جملاتی گفته می‌شود که به منظور منع و تسکین شهوت و غضب، در موارد لازم القا می‌شود (شکوهی، ۱۳۸۷) و «نصیحت یعنی پیشنهاد کار یا گفتاری که به صلاح شنونده باشد.»

این دو لفظ تقریباً به یک معنا می‌باشند (قائمی‌مقدم، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۶ - ۷۷) و هر دو یکی از روش‌های مهم تربیتی به شمار می‌آیند که در قرآن و سنت بسیار به آن سفارش شده، حتی یکی از روش‌های تربیتی است که قرآن به پیامبر نیز آموخته است: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت بهتر از هر کسی می‌داند که چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناتر است) (التحل / ۱۲۵).

این روش مزایای فراوانی دارد (الهامی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۳) که عبارت است از:

الف) انسان را از غفلت و ناآگاهی دور می‌سازد:

ب) باعث ایجاد علاقه و دل‌بستگی بین مرتبی و مترتی می‌شود:

ج) نشانه اخلاص و دلسوزی است:

د) از رسوایی و فضاحت جلوگیری می‌کند:

این روش و هر روش تربیتی دیگر، اگر در بستر مناسب خود به کار گرفته شود، اثری مطلوب بر مترتی خواهد داشت، ولی اگر مرتبی بدون توجه به اهمیت این مقدمه بسیار مهم از این روش تربیتی استفاده کند، قطعاً یکی از روش‌های آسیب‌زا به شمار می‌رود. بستر لازم برای دستیابی به این هدف، ایجاد شرایط لازم برای هر یک از ارکان موعظه است؛ بنابراین، در ادامه، برای درک بهتر موضوع، ارکان موعظه و شرایط آنها بررسی شده است و به جنبه آسیب‌رسانی آن اشاره می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴).

روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت

در ادامه به روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت با تأکید بر معارف اسلامی و احادیث علوی اشاره می‌شود و راه‌کارهایی برای بهبود روابط عاطفی والدین و فرزندان ارائه می‌شود.

۱- تحقیر

یکی از روش‌های عاطفی آسیب‌زا در تربیت، روش تحقیر و توهین مترتی است. بسیاری از والدین و مربیان برای دستیابی به تربیت مورد قبول خود و داشتن فرزندان مطیع و منضبط از این روش استفاده کرده‌اند، غافل از این‌که تحقیر و اهانت آسیب‌های فراوانی بر روح و روان فرزندان می‌گذارد، به‌ویژه اگر این عمل در مقابل دیگران صورت گیرد.

در منابع دینی، از تحقیر که به معنای پست شمردن و کوچک کردن (قرشی بنایی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۹) و در اصطلاح به معنای توهین و خوار کردن طرف مقابل است (قلعه‌جی، ۱۳۸۸ ج ۱، ص ۴۳۶)، به‌شدت نهی شده است. در قرآن، نهی از تحقیر را به‌صورت ضمنی و از برخورد پیامبران با اقوام خود می‌توان دریافت. پیامبران در تبلیغ ادیان الهی به‌گونه‌ای با مردم رفتار می‌کردند که کوچک‌ترین احساس حقارت به آنان القا نمی‌شد. خودداری پیامبران از تحقیر دیگران را می‌توان از آیاتی دریافت که خطاب مستقیم پیامبران به اقوام خویش است. با دقت در این دسته از آیات، روشن می‌شود که

پیامبران همواره بر این نکته تأکید داشتند که همانند امت خود هستند و هیچ‌گونه برتری ذاتی بر آنها ندارند (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹).

با بررسی آیات و روایات پیرامون مذمت، تحقیر و اهانت دیگران، می‌توان دریافت که موضع اسلام در قبال این موضوع کاملاً شفاف است و همواره به نهی شدید از آن پرداخته است. افزون بر شرع، عقل و عرف نیز بر زشتی این عمل تأکید داشته، از انجام آن نهی کرده‌اند. حال آن‌چه مهم است، بیان شیوه‌ها و پیامدهای این رفتار غیراخلاقی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

نمونه‌های تحقیر

در این‌جا لازم است برای درک بهتر بحث، به شیوه‌های تحقیر مخاطب پرداخته شود. این شیوه‌ها تنوع بسیاری دارد که در این بحث به مهم‌ترین و پرکاربردترین آن، یعنی استهزاء و تمسخر (قائم‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۷۲)، ملامت و سرزنش، تهمت، ناسزاگویی و القاب زشت اشاره می‌شود.

۲- استهزاء و تمسخر

استهزاء از ماده «هزء» و «هزوء» است که در لغت به معنای «مسخره کردن، سبک گرفتن، دست انداختن و درهم شگستن» می‌باشد (داورپناه، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۵۰) و در اصطلاح، به بیان، گفتار، کردار یا اوصاف ظاهری یا باطنی افراد، به قول یا فعل یا به ایما و اشاره یا به کنایه اطلاق می‌شود، به گونه‌ای که سبب خنده دیگران شود (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۵۵۵؛ شبّر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). اکثر لغویان این دو واژه را به یک معنا دانسته‌اند، ولی برخی بین این دو تفاوت قائل شده‌اند و می‌گویند: «استهزاء در جایی به کار می‌رود که شخص بدون این‌که کاری انجام داده باشد، ریشخند شود، ولی سخریه در آنجا است که به سبب کاری که انجام داده است، مسخره شود» (فرهادیان، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

با دقت در حالات و روحیات انسان، می‌توان دریافت که وی به دلیل داشتن غریزه حبّ ذات همواره نیازمند تأیید و توجه مثبت دیگران نسبت به خود می‌باشد و اگر در این توجه خدشه‌ای ایجاد شود، ضربات روحی و عاطفی فراوانی به او وارد می‌شود. تمسخر، یکی از رفتارهایی است که علاوه بر در نظر نگرفتن این موهبت الهی، موجب سرکوب آن شده، انسان را به مقابله با آن وامی‌دارد. به همین دلیل، این روش یکی از

روش‌های آسیب‌زا به‌شمار می‌رود. حال اگر تمسخر در حضور دیگران انجام گیرد، یا متربی به سبب مسائلی، مانند مشکلات جسمی که در آن دخیل نبوده، مورد تمسخر قرار گیرد، آسیب‌رسانی آن به‌مراتب بیشتر خواهد بود (حسین چاری و ذاکری، ۱۳۸۹).

بنابراین، والدین و مربیان باید دقت داشته باشند که همواره از این عمل زشت دوری کنند و هرگز از آن برای تربیت متربی خود استفاده نکنند که در این صورت تربیت نکردن بسیار سودمندتر خواهد بود.

۳- ملامت و سرزنش

«ملامت»، «شمت» و «تعییر»، هر سه به معنای سرزنش کردن است و با وجود تفاوت‌های اندکی که با یکدیگر دارند، کارکرد هر سه یکی است. ملامت و سرزنش در اصطلاح به معنای گفتن سخن توبیخ‌آمیز به کسی و بازخواست کردن او در برابر لغزشی است که از او سر زده است (حسین چاری و ذاکری، ۱۳۸۹) و شمت یعنی خشنودی از اتفاق ناخوشایند رخ داده برای دیگری.

این روش زمانی آسیب‌زاست که:

۱ - در به‌کارگیری از آن زیاده‌روی شود؛ زیرا: الف) باعث افزایش لجاجت می‌شود؛ ب) باعث از بین رفتن ارزش و اعتبار این روش می‌شود و فرد به آن عادت می‌کند:

۲ - میزان آن متناسب با خطای متربی نباشد:

۳ - ناآگاهی متربی سرزنش‌شده از خطای خود:

۴ - استفاده هم‌زمان از سرزنش و تنبیه‌های دیگر، اگر یک یا چند تنبیه دیگر به سرزنش اضافه شود، حس نفرت و خشم را در فرد برمی‌انگیزد و اثر سازندگی خود را از دست می‌دهد (هلیسون، ۱۳۸۱).

۴- تهمت

تهمت که در اصطلاح یعنی «درباره مسلمانانی چیزی را بگویی که اکراه می‌دارد و در او نیست»، در دین اسلام به‌شدت نهی شده است. منابع دینی، تهمت را برخلاف سرزنش، در همه حالات نهی کرده‌اند یا حتی حرمت آن را از غیبت بیشتر می‌دانند

(انصاری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۲) و هیچ‌گونه استثنایی برای آن قائل نشده است. انسان با تهمت به دیگران، سبب خُرد شدن شخصیت فرد، پایین آمدن اعتمادبه‌نفس و سلب اعتماد دیگران از وی شده، باعث جری شدن وی در انجام آن عمل می‌شود. حال اگر فردی که به او تهمت زده شده، در دوران بلوغ باشد و شخص تهمت‌زننده از نزدیک‌ترین کسان او یعنی والدین، مربی یا الگوهای او باشند، این ضربه‌ها دوچندان شده، باعث درونی شدن آن اعمال در وجود او خواهد شد و اعتمادبه‌نفس او را در برابر مقابله با هر گونه تهمت و افتزایی پایین می‌آورد؛ بنابراین، مرتبان باید دقت نظر لازم را در رفتار خود با متری داشته باشند تا بتوانند او را برای نیل به اهداف تربیتی وی یاری رسانند (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

۵- دشنام

دشنام، نام یا نسبت زشتی است که هنگام ناراحتی و تنفر از کسی به او داده می‌شود؛ بنابراین، کلماتی که مفاد آنها هتک و اهانت به دیگری است، مصداق دشنام یا سب به شمار می‌رود. علاوه بر منابع اسلامی، عرف همه جوامع نیز با فحاشی مخالفت کرده، انسان‌ها را از این عمل زشت بازمی‌دارد. علت نهی آموزه‌های دینی، تحقیر مخاطب ناسزا و کاهش اعتماد به نفس وی می‌باشد. حال اگر مخاطب، کودک باشد، ضربات ناشی از فحاشی به مراتب بیشتر خواهد بود؛ زیرا کودک، خانواده را محیطی امن برای خود تلقی کرده، مواجهه با این برخورد، او را دچار سرخوردگی می‌کند و گاه وی را به انتقام‌جویی وامی‌دارد؛ بنابراین، مرتبان نباید در هیچ شرایطی دست به چنین کاری بزنند و با این روش، کودک خود را تنبیه کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

۶- القاب زشت

تناژ که در زبان عربی به معنای خواندن دیگران با القاب زشت است، یکی از روش‌های تحقیر به‌شمار می‌رود می‌آورد (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

نام‌های نامناسب و القاب زشت، اثرات مخرب فردی، چون مورد تمسخر قرار گرفتن فرد و همسان‌سازی وی با نامش به دلیل تکرار این نام در محافل و مجامع عمومی و اثرات اجتماعی، مانند ایجاد زمینه گناهمانی هم‌چون، غیبت، تهمت، استهزاء، ناسزا و... در جامعه می‌گذارد که به تبع آن، روابط افراد جامعه تیره و تار می‌شود و همدلی و وحدت

به کدورت و دلخوری مبتدل می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

۷- تبعیض

تبعیض به معنای «جزء جزء کردن، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، بعضی را بر بعضی ترجیح دادن» است که در منابع دینی، به علت اثرات مخرب آن بسیار نهی شده است. خانواده که کوچک‌ترین عنصر اساسی هر جامعه است، از این اصل مبرا نیست و باید عاری از تبعیض و بی‌عدالتی باشد. بعضی از مریبان به دلایل متفاوت، هم‌چون بیماری متربی مورد توجه، دلیستگی به او و... غافل از پیامدهای شوم آن از این روش، دانسته یا نادانسته استفاده می‌کنند می‌آورد (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۲).

مریبان اگر به این پیامدها توجه داشته باشند، هرگز به چنین روشی دست نخواهند زد؛ زیرا این روش خطرهایی دارد که متوجه همه افراد خانواده خواهد شد و برای هیچ فردی استثناء قائل نیست. این پیامدها عبارتند از:

- ایجاد خلاء عاطفی بین مربی و متربیان و کاهش محبت بین آنها.

- احساس ناامنی ناشی از برخورد والدین و احساس کمبود محبت که به افسردگی متربی منجر خواهد شد.

- کودک به دلیل احساس بی‌مهری حاصل از این طرز برخورد خانواده، به راحتی به سوی دیگران جذب می‌شود. این جدّآییت گاه خسارات جبران‌ناپذیری برای کودک و خانواده به بار می‌آورد (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

۸- علل استفاده از روش‌های نادرست تربیتی

در ادامه به بررسی علل استفاده از روش‌های نادرست تربیتی بر اساس نظریات تربیتی می‌پردازیم (کدیور، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

عوامل شناختی: ناآگاهی مریبان از اصول و روش‌های درست تربیت، از علت‌های به کارگیری روش‌های آسیب‌زا است.

عوامل روانی: اگر مریبان در حالت هیجانی قرار بگیرند ممکن است به روش‌های نادرستی نظیر پرخاشگری، زورگویی، ناسزا، تهمت، تحقیر و در نهایت ضرب و شتم روی

آورند. همچنین ممکن است برای جبران شکست و ناکامی‌های خود از این شیوه‌ها استفاده کنند.

عوامل تربیتی: مربیان امروز، متریبان دیروز بوده‌اند. اگر در گذشته از تربیت ناقص و بیماری برخوردار شده باشند، امروز آموزه‌های خود را در قالب روش‌های نادرست به دیگران اعمال می‌کنند.

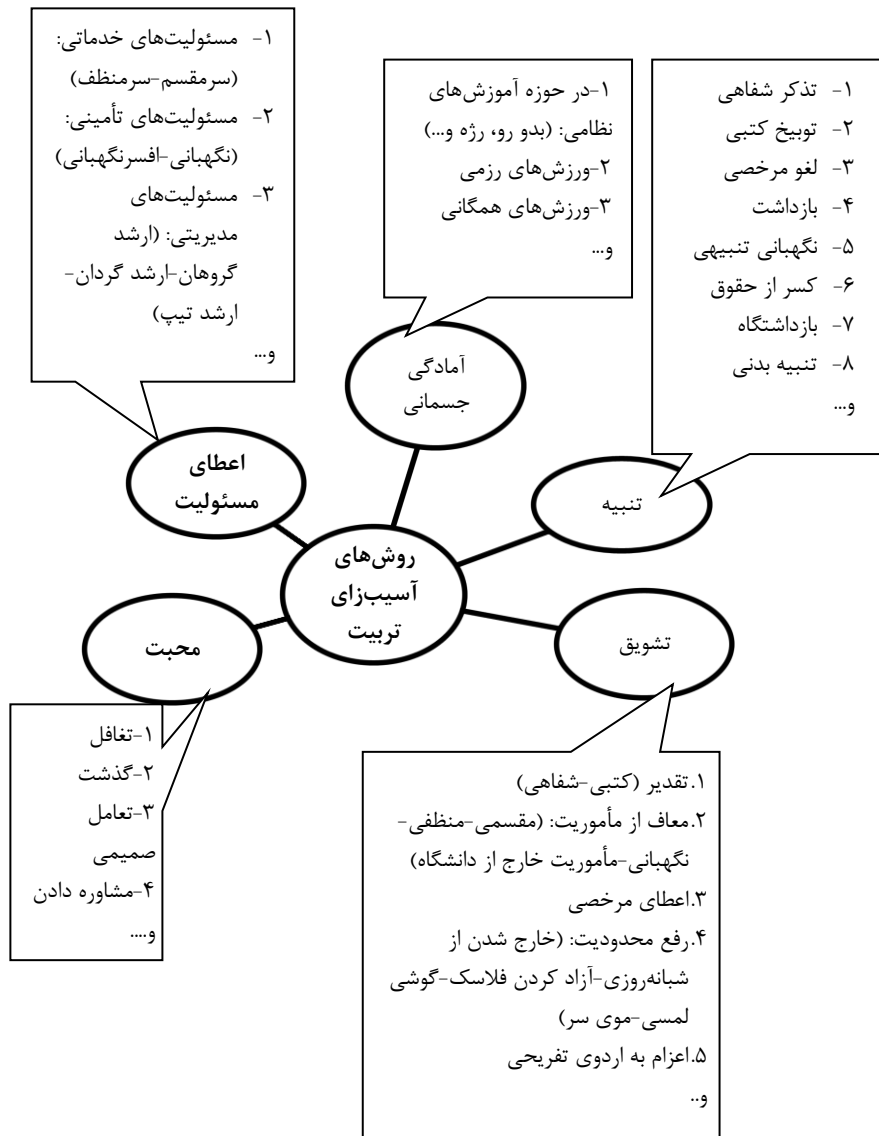
عوامل فرهنگی: اگر در هر فرهنگ سازمانی، نگاه عمومی به افراد محترمانه نباشد و آنان مانند اموال و دارایی مدیران محسوب شوند که هر گونه تصرف در آنها برای افراد جایز باشد، طبیعی است که روش‌های آسیب‌زا و تحقیر در آن جامعه رواج می‌یابد.

تصور نتیجه‌بخشی سریع: گاهی تحقیر و سرزنش و... در ظاهر زود نتیجه می‌دهد و فرد را سرجا می‌نشانند. همین زود نتیجه دادن، برخی مربیان را وادار می‌کند تا به این روش‌ها رو آورند. غافل از اینکه این نتیجه، تظاهرهایی بیش نیست و فرد در باطن هم‌چنان در فکر کارهای نابهنجار و گرفتن انتقام است.

تفاوت‌های فردی: ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز می‌تواند زمینه استفاده از بعضی روش‌های آسیب‌زا را فراهم آورد (کدیور، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

مدل مفهومی پژوهش

بر اساس نتایج حاصله روش‌های تربیتی آسیب‌زا در دانشگاه علوم انتظامی امین شامل پنج روش آمادگی جسمانی، محبت، اعطای مسئولیت، تشویق و تنبیه بوده که هر یک در برگیرنده مؤلفه‌هایی هستند و در مدل مفهومی زیر ارائه شده‌اند.



مدل مفهومی پژوهش (منبع: نویسندگان)

پیشینه پژوهش: حمیدزاده (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی با تأکید بر مفهوم دینداری» با روش توصیفی-تحلیلی انجام داده است. پژوهشگر در ابتدا به نقش مفهوم شناسی دینداری در تربیت دینی پرداخته و آنگاه آسیب‌های تربیت دینی را در دو حوزه «آسیب‌های تربیت دینی از ناحیه مربیان و معلمان» و «آسیب‌های تربیت دینی از ناحیه برنامه درسی» مورد بررسی قرار داده و پیشنهادهایی برای رفع آن آسیب‌ها ارائه کرده است و هم‌چنین استفاده از دیدگاه شهید مطهری در کتب مختلف از جهات بسیاری به آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس پرداخته است.

نوروزی و احمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر آسیب‌شناسی تربیت دینی» سوءتفاهم مفاهیم دینی را از جمله عوامل بسیار مهم آسیب‌زا در تربیت دینی می‌دانند و اذعان می‌کنند که افراط و تفریط در آسان‌گیری در تربیت دینی، موجب آسیب‌هایی در این حوزه می‌شود. در این مقاله، تربیت سالم با عنوان سهل‌گیری مورد بررسی قرار گرفته است.

حسین‌زاده (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی» با روش توصیفی-تحلیلی انجام داده است که آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی را شناسایی مجموعه پدیده‌هایی که بر روند رشد اخلاقی و تربیتی فرد تأثیر منفی بر جا می‌نهند و در درازمدت می‌تواند سرنوشت اجتماع انسانی را به مخاطره اندازد، می‌داند و معتقد است که خانواده، اجتماع و مدرسه، از جنبه‌های مختلف می‌تواند آسیب‌زا و چالش‌آفرین باشد.

چراغ‌چشم (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس» دو شیوه تربیت فراگیران را بررسی کرده است. هدف نویسنده از این پژوهش، بررسی و آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس است؛ یعنی تربیت دینی مبتنی بر اجبار و الزام و بی‌توجهی به عواطف، برای انتقال باورهای دینی را با عنوان مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی در مدارس می‌داند.

رودگر (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت دینی، آسیب‌ها و راه‌های درمان» با روش توصیفی-تحلیلی به بیست و هشت آسیب و آفت آموزشی و تربیتی همراه با چهارده راه‌کار اشاره کرده است تا عوامل و موانع تربیت دینی در حوزه آموزش و پرورش و نظام آموزشی متوسطه و عالی شناخته شود.

مدنی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی» با روش توصیفی-تحلیلی، تربیت دینی و آسیب‌شناسی مرتبط با آن را تبیین کرده است.

دانشگر و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن» با روش توصیفی - پیمایشی، میزان تأثیر زمینه‌های آموزشگاهی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان را تعیین کردند. زمینه‌های آموزشگاهی مورد بحث، عبارتند از: شیوه مدیریتی مدرسه، ویژگی‌های شخصیتی معلمان، محتوای کتاب‌های دینی، بعد ساختاری مدرسه و در نهایت بعد فرهنگی-اجتماعی مدرسه.

حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی» با روش توصیفی-تحلیلی، نگاهی به برخی از گونه‌های نادرست اسوه‌پردازی و مواجهه با الگوهای دینی که کارکرد روش الگویی در تربیت دینی را نوعی عقیم می‌سازد، می‌اندزد.

باقری (۱۳۸۰) پژوهشی با عنوان «آسیب و سلامت در تربیت دینی» با روش توصیفی-تحلیلی انجام داده است که دو جنبه آسیب و سلامت را در تربیت دینی بررسی کرده است و طی ده محور به بررسی آسیب‌ها و سلامت تربیت دینی می‌پردازد. نویسنده، آسیب‌شناسی تربیت دینی را، اختلال‌های مفهومی و مصداقی در به‌کارگیری مفاهیم و معیارهای دینی در جریان تربیت، مورد بازنشانی قرار گیرد، می‌داند و در مقابل آسیب، مقصود از سلامت در تربیت دینی را این می‌داند که مفاهیم و معیارهای دینی، به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی، بازنشانی شود و مشخص شود که نتایج مثبت به‌کارگیری آنها در تربیت چیست؟

عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۰) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت مبتنی بر عادت» با روش توصیفی-تحلیلی که با الهام گرفتن از حدیث «بَعَثْتُ لِرَفْضِ الْعَادَاتِ» تربیت مبتنی بر عادت را آسیب‌شناسی کرده است. نویسنده در این پژوهش، منظور از عادت را آن دسته از اعمال و رفتارهایی می‌داند که فرد در اثر تکرار مکانیکی، آن رفتارها را بدون اندیشه، تفکر و تأمل انجام می‌دهد؛ هرچند این اعمال یا رفتارها مطلوب، مقدس و ارزشمند باشد.

علی همت بناری (۱۳۸۰) پژوهشی با عنوان «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش» و با روش کتابخانه‌ای و مطالعه در منابع دینی، مانند روایات اسلامی، هم‌چنین استفاده از کتاب‌ها و مقالات مختلف جمع‌آوری شده است. عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی را به عوامل درونی (عوامل مربوط به خود نوجوانان و جوانان) و عوامل بیرونی (عوامل مربوط به خارج از نوجوانان و جوانان)، تقسیم کرده است و هم‌چنین بیشتر به نظام آموزش و پرورش و عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش تأکید کرده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و مطالعه در منابع دینی، مانند روایات اسلامی، هم‌چنین استفاده از کتاب‌ها و مقالات مختلف جمع‌آوری شده است.

قائمی‌مقدم (۱۳۷۹) پژوهشی با عنوان «روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی» انجام داده است. پژوهشگر ابتدا در حوزه تعلیم و تربیت و جایگاه روش‌های تربیتی را بررسی می‌کند؛ زیرا معتقد است که روش‌ها، ضامن تحقق آرمان‌ها و اهداف تربیتی هستند و مربی می‌تواند با شناخت، انتخاب صحیح و کاربرد درست آنها، مرتبی را از وضعیت موجود، به وضعیت مطلوب برساند و بر اساس برنامه‌های مورد نظر، وی را تربیت کند. در غیر این صورت، اهداف و برنامه‌های تربیتی، هرچند بسیار عالی و متریقی باشند، ناکام خواهد شد. در این میان، آنچه تاکنون مورد بحث واقع شده است، روش‌های مثبت و ایجابی بوده است و از نیایدها و روش‌های ناصواب، کمتر سخن گفته است. این پژوهش، از روش‌های ناصواب و نیایدهای تربیتی پوشیده از منظر دین، بحث می‌کند و از آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار آنها، خصوصاً تأثیر آنها در شکل‌گیری خود، پندار منفی در مرتبی سخن می‌گوید و در نهایت به انگیزه‌ها و علل رو آوردن مربیان به سوی این گونه روش‌ها، اشاره می‌کند.

کریمی (۱۳۷۴)، در پژوهشی با عنوان «تربیت آسیب‌زا» به مباحثی درباره اثرات پنهانی و ناخوشایند تربیت آسیب‌زا پرداخته است که نویسنده بر اساس مشاهدات و تجربیات شخصی و یافته‌های پژوهشی خود، آنها را گردآوری کرده است. در این پژوهش از موضع آسیب‌شناسی تربیتی به پاره‌ای از عوامل بازدارنده نظیر آموزش‌های سوری، عادت‌های کلیشه‌ای و مکانیکی بحث شده است.

آنچه در پژوهش‌های قبلی ذکر شد بیشتر ناظر بر تبیین و تشریح تربیت آسیب‌زا

بود که هریک به بحث تربیت آسیب‌زا در منابع اسلامی اشاره کرده بودند ولیکن در پژوهش حاضر به شناسایی روش‌های آسیب‌زا در تربیت دانشجویان از منظر نخبگان و متخصصان امور تربیتی و آموزشی پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با روش تحلیل محتوای کیفی^۱ برای تحلیل و تفسیر داده‌های متنی (مصاحبه‌ها) انجام شده است. این روش امکان دست‌یابی به شناخت گسترده و عمیق در یک قلمرو یا موضوع خاص را فراهم می‌آورد (اگبرگ و همکاران،^۲ ۲۰۰۸؛ هاوِلز و زلینک،^۳ ۲۰۰۹). با توجه به اهداف پژوهش، فرایند نمونه‌گیری به‌صورت گلوله برفی از میان دانشجویان سال دوم مصوب خدمت کرده در یگان‌های اجرایی که قبلاً درجه‌دار بوده‌اند، انجام گرفت و پس از مصاحبه با ۱۷ نفر دانشجو پژوهش به اشباع نظری رسید و با توجه به تکراری شدن داده‌ها، فرایند نمونه‌گیری و مصاحبه اتمام یافت. در این‌جا نیز در گام نخست از مصاحبه‌های به‌عمل آمده با استفاده از کدگذاری باز به روش جمله‌به‌جمله بهره‌گیری شد و در این چارچوب جملات بر اساس محتوای کلیدی مطرح‌شده در آنها دسته‌بندی شدند. سرانجام پس از حذف مقوله‌های دارای مضامین و معانی یکسان، هم‌چنین ادغام مقوله‌های هم‌سنخ و هم‌سو، گزاره‌های اصلی موجود در حوزه روش‌های آسیب‌زا در تربیت منابع انسانی دانشگاه علوم انتظامی امین مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در حال حاضر روش‌های متعددی در فرایند تربیت دانشجویان از سوی فرماندهان به‌کار گرفته می‌شود، از بدو ورود دانشجویان که با مراسم استقبال با رویکرد تربیتی لحاظ شده تا مراسم فارغ‌التحصیلی و بدرقه دانشجویان، رویکردها و شیوه‌های متعددی در راستای آموزش و تربیت دانشجویان به‌کار گرفته می‌شود که یکی از شیوه‌های تربیتی استفاده از انواع تشویق و تقویت‌کننده در جهت نیرومندی رفتارهای مطلوب و خوشایند

1- Qualitative content analysis

2- Egberg Thyme et al

3- Howells & Zelnik

است، برخی کارشناسان معتقدند که بعضی از روش‌ها، شیوه‌ها و رویکردهای تربیتی برای دانشجویان آسیب‌زا است و نیاز است که نسبت به بررسی و تجدید نظر یا اصلاح آنها گام برداشته شود. هم‌چنین دانشجویان بسیاری از نبود قواعد و اصول مشخصی در به‌کارگیری تشویق، پارتی‌بازی، توجه و تشویق افراطی فرماندهان به عده خاصی از دانشجویان و غیره به‌عنوان ضعف و آسیب‌های این شیوه تربیتی یاد می‌کنند. آسیب شیوه‌های تربیتی تشویق زیاد یکی از تم‌های اصلی موجود در داده‌ها و در بردارنده دو مقوله فرعی مشکلات رفتاری و مشکلات روانی هیجانی است. در ادامه به مقوله‌هایی که حاکی از آسیب‌های شیوه‌های تربیتی تشویق است، به چند نمونه از نقل قول‌های پاسخ‌دهندگان اشاره می‌کنیم:

تجارب بیشتر دانشجویان شرکت‌کننده نشان می‌داد که به‌کارگیری شیوه‌های تربیتی غلط از جمله تشویق بیش از حد و بی‌مورد منجر می‌شود که دانشجویان دچار انواع مشکلات رفتاری مانند سوء استفاده کردن و بدعادت‌ی و پرتوقع شدن و غیره می‌شوند تا جایی که خیلی‌ها تشویق‌های زیادی و بیش از اندازه را چیزی جز تنبیه نمی‌دانستند. در زیر برای نمونه به اظهار نظر برخی از دانشجویان در این زمینه اشاره شده است:

نمونه مضمون اولیه ۱- بی‌انضباط شدن:

«کد ۱: حذف تنبیه‌هایی که برای دانشجو در نظر گرفته شده است باعث می‌شود که دانشجو اصلاح نشود و به بی‌انضباطی‌های مکرر منجر می‌شود».

«کد ۸: رفع محدودیت، نیرو را بی‌نظم می‌کند».

نمونه مضمون اولیه ۲- پرتوقع شدن:

«کد ۱۵: تشویق‌های بی‌مورد باعث ایجاد توقع در نیرو می‌شود؛ یعنی نیرو بعد از انجام وظایف ذاتی خود توقع تشویق از مافوق را دارد».

نمونه مضمون اولیه ۳- نازپرورده شدن:

«کد ۴: دانشجو نباید مسیر روبه‌روی خود را هموار ببیند. باید در این مسیر ناهمواری‌هایی وجود داشته باشد تا آمادگی لازم برای هر وضعیتی داشته باشد یعنی بچه ننه بار نیاد».

نمونه مضمون اولیه ۴- گستاخ شدن:

«کد ۵: رفع محدودیت برای افراد خاصی مثلاً می‌تواند هر روز مرخصی بروند یا حق داشتن گوشی لمسی را دارد باعث می‌شود فرد نسبت به هم‌دوره های خود گستاخی پیدا کند».

نمونه مضمون اولیه ۵- کاهش عملکرد فرد:

«کد ۶: تشویق به خودی خود در مرحله اول آسیبی ندارد، ولی تشویق بیش از حد باعث کاهش عملکرد فرد می‌شود».

نمونه مضمون اولیه ۶- سوء استفاده کردن:

«کد ۷: وقتی فردی خطایی می‌کند و تنبیهی در نظر گرفته می‌شود، باید نتیجه شود و اگر مورد تنبیه قرار نگیرد و تنبیه آن حذف شود باعث سوء استفاده از آن می‌شود».

نمونه مضمون اولیه ۷- بدعادتی:

«کد ۸: معاف از مأموریت اگر عذر موجهی نباشد نیرو را بدعادت می‌کند».

«کد ۱۲: وقتی فردی برای هر چیزی تشویق می‌شود، از این پس همه امور و وظایف خود را به امید تشویق مجدد انجام می‌دهد».

نمونه مضمون اولیه ۸- فرصت‌طلبی:

«کد ۹: وقتی فردی مکرر مورد تشویق قرار می‌گیرد از این فرصت استفاده می‌کند که همه کارها را خودش انجام دهد و به دیگران فرصت انجام هیچ کاری را نمی‌دهد تا اینکه مورد تشویق قرار بگیرد».

نمونه مضمون اولیه ۹- الگوبرداری منفی:

«کد ۱۱: وقتی دانشجویی به خاطر انجام عملی بارها تنبیهی برایش در نظر گرفته می‌شود و تنبیه وی به هر نحوی بخشیده می‌شود، این عمل باعث می‌شود که دیگران نیز تصور کنند که اگر خلافی مرتکب شوند ما هم بخشیده می‌شویم».

نمونه مضمون اولیه ۱۰- منفعل:

«کد ۱۳: بعضی از همکاران که بعد از چند نوبت پشت سر هم تشویق می‌شوند، تشویق را حق مسلم خود می‌دانند، در صورتی که یک‌بار تشویق نشود سریعاً دل‌سرد می‌شود و حالت منفعلانه به خود می‌گیرد».

در ادامه جداول پاسخ هر یک از سؤالات ارائه شده است.

۱- روش‌های آسیب‌زای تشویق در تربیت منابع انسانی دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

جدول شماره ۱: تلفیق تم‌های استخراج شده همه شرکت‌کنندگان از سؤال یک پژوهش

| تم | مقوله‌ها | نمونه عبارات مضمون‌های اولیه | کد ارجاعات شرکت‌کنندگان |
|----|-------------------------|------------------------------|-------------------------|
| | | • بی‌انضباط شدن | ۸-۱ |
| | | • پرتوقع شدن | ۱۵-۱۴-۱۱-۴-۲ |
| | ۱-مشکلات رفتاری | • نازپرورده شدن | ۴ |
| | | • گستاخ شدن | ۵ |
| | | • کاهش عملکرد فردی | ۶ |
| | | • سوء استفاده کردن | ۷ |
| | | • بدعادت‌ی | ۱۲-۸ |
| | | • فرصت‌طلبی | ۹ |
| | | • الگوبرداری منفی | ۱۱ |
| | | • منفعل شدن | ۱۳ |
| | | • مغرور شدن | ۱۴-۵-۴-۱ |
| | ۲-مشکلات روانی و هیجانی | • بی‌انگیزه شدن | ۸-۱ |
| | | • افسردگی کوتاه‌مدت | ۱ |
| | | • حسادت‌ورزی | ۱۰-۳ |
| | | • بدگمانی | ۵-۳ |
| | | • خود برتری‌بینی | ۸-۶ |

۲- روش‌های آسیب‌زای تنبیه در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

جدول شماره ۲: تلفیق تم‌های استخراج‌شده همه شرکت‌کنندگان از سؤال دو پژوهش

| تم | مقوله‌ها | نمونه عبارات مضمون‌های اولیه | کد ارجاعات شرکت‌کنندگان |
|--------------------|--------------------------|------------------------------|-------------------------|
| آسیب‌های روش تنبیه | ۱- مشکلات رفتار | • الگوبرداری منفی | ۵ |
| | | • خودزنی | ۸ |
| | | • نافرمانی | ۹ |
| | | • بی‌رحم شدن | ۱۰ |
| | | • تنش و درگیری | ۱۳-۲ |
| | | • واکنش متقابل | ۱۵-۱۳ |
| | ۲- مشکلات روانی و هیجانی | • دل‌سرد و بی‌رغبت شدن | ۱۴-۱۱-۱ |
| | | • سرافکنندگی | ۸-۱ |
| | | • احساس حقارت | ۳ |
| | | • افسردگی | ۳ |
| | | • بی‌انگیزه شدن | ۹-۴ |
| | | • ناامیدی | ۷-۴ |
| | • آشفتگی ذهنی | ۱۲ | |

۳- روش‌های آسیب‌زای محبت در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

جدول شماره ۳: تلفیق تم‌های استخراج‌شده همه شرکت‌کنندگان از سؤال سوم پژوهش

| تم | مقوله‌ها | نمونه عبارات مضمون‌های اولیه | کد ارجاعات شرکت‌کنندگان |
|--------------------------|--------------------------|------------------------------|-------------------------|
| آسیب‌های روش محبت افراطی | ۱- مشکلات رفتاری | • پرتوقع شدن | ۱۱-۷-۳ -۱ |
| | | • پررویی | ۸ -۱ |
| | | • سوء استفاده کردن | ۱۵-۱۳-۱۰-۴-۳-۲-۱ |
| | | • کم کاری کردن | ۱۴-۱ |
| | | • نافرمانی | ۸-۵ |
| | | • حرمت شکنی | ۸ |
| | ۲- مشکلات روانی و هیجانی | • بدعادت شدن | ۱۲ |
| | | • غرور و خود برتر بینی | ۹-۶ |

۴- روش‌های آسیب‌زای اعطای مسئولیت در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

جدول شماره ۴: تلفیق تم‌های استخراج‌شده همه شرکت‌کنندگان از سؤال چهار پژوهش

| تم | مقوله‌ها | نمونه عبارات مضمون‌های اولیه | کد ارجاعات شرکت‌کنندگان |
|---|----------------------|------------------------------|-------------------------|
| آسیب‌های روش اعطای مسئولیت بر دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین | ۱- مشکلات رفتاری | • سوء استفاده کردن | ۶-۳-۱ |
| | | • ایجاد تنش | ۱۳-۹-۶-۲ |
| | | • افت تحصیلی | ۱۱-۶ |
| | | • ایجاد خسارت | ۱۲-۸ |
| ۲- مشکلات روانی و هیجانی | • بی‌انگیزه شدن | ۷-۴-۱ | |
| | • بدگمانی | ۳ | |
| | • غرور و خودبرتربینی | ۱۵-۱۴-۱۳-۱۰-۶-۵-۴ | |

۵- روش‌های آسیب‌زای آمادگی جسمانی در تربیت دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین کدامند؟

جدول شماره ۵: تلفیق تم‌های استخراج‌شده همه شرکت‌کنندگان از سؤال پنج پژوهش

| تم | مقوله‌ها | نمونه عبارات مضمون‌های اولیه | کد ارجاعات شرکت‌کنندگان |
|---|--------------------------------|------------------------------|-------------------------|
| آسیب‌های فعالیت‌های بدنی بر دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین | ۱- مشکلات رفتاری | • پرخاشگر شدن | ۱ |
| | | • خسته‌کننده | ۸-۴-۳-۱ |
| ۲- مشکلات روانی و هیجانی | • خود بزرگ‌بینی | ۱۲ | |
| | • کاهش اعتمادبه‌نفس | ۱۲-۳-۷ | |
| ۳- مشکلات جسمی | • بیماری واریکوسل | ۹-۸-۶-۲ | |
| | • آسیب‌های عضلانی و ستون فقرات | ۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۰-۵ | |

بحث و نتیجه‌گیری

تشخیص روش‌های درست از نادرست در تعلیم و تربیت، یکی از مشکلات عمده این حوزه به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو در قلمرو روش‌های تربیتی، نواقص و باورهای نادرستی در بین مردم و برخی از مربیان تربیتی وجود دارد که روند تعلیم و تربیت را با کندی و آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌کند. بسیاری از اولیاء و مربیان به دلیل عادت‌ها و باورهای انتقال‌یافته از نسل‌های گذشته، روش‌های مورد استفاده خود را درست می‌پندارند و بر استفاده از آنها اصرار می‌ورزند و چه بسا آن را تأیید شده دین و برخاسته از متن آن قلمداد می‌کنند، در حالی که ممکن است نظر دین، نفی آن روش باشد. آگاهی نداشتن از روش‌های نادرست و اصرار بر روش‌های غلط در این حوزه، ناخواسته مربیان را به انحراف می‌کشد و امر تربیت را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. چه بسا رها کردن متربیان به حال خود (و تربیت نکردن آنها) بهتر از تربیت کردن از راه شیوه‌های نادرست باشد؛ زیرا در صورت اول احتمال دارد متربی خود مسیر درستی را در زندگی انتخاب کند، ولی در صورت دوم، روش‌ها و برخوردهای نادرست مربی، او را در مسیر دیگری قرار می‌دهد و نتیجه‌ای جز تربیت مسموم ندارد. درباره روش‌های تربیتی و تحلیل آسیب‌شناسی آنها، پژوهش‌ها و کنفرانس‌های بسیاری صورت گرفته است؛ اما در دانشگاه علوم انتظامی امین و آسیب‌شناسی روش‌های تربیتی در این دانشگاه به‌عنوان تنها دانشگاه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجحاف شده و در این‌باره پژوهش مستقلی به‌عمل نیامده است. توضیح آن‌که در بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص شد که در ارتباط با آسیب‌شناسی تربیت دینی پژوهش‌های زیادی انجام شده است، اما در میان آنها در مورد آسیب‌شناسی این روش‌ها، پژوهشی جامع صورت نگرفته است و مهم آن‌که در مورد روش‌های تربیتی و آسیب‌شناسی آن در دانشگاه علوم انتظامی امین، هیچ‌گونه پژوهشی که از نظر موضوع مشابه این پژوهش باشد، انجام نگرفته است؛ بنابراین ضرورت انجام چنین پژوهشی برای پژوهش‌گر احساس شد؛ بنابراین این پژوهش به بیان برخی شیوه‌های تربیتی آسیب‌زا در دانشگاه پرداخته و در ارائه شیوه‌ها، به تأثیر بازدارنده آن در تربیت و پرورش صحیح دانشجویان توجه شده است؛ یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های کریمی (۱۳۹۱) و باقری (۱۳۸۴) هم‌سو و هماهنگ است. با توجه به این‌که سیاست‌های هیئت رئیسه دانشگاه در کمیسیون‌های تربیتی و تحول تربیت در دانشگاه

ناظر بر روندها و فرآیندهای تربیتی، ضرورت و اهمیت این پژوهش از این حیث قابل توجیه است که در راستای دغدغه جدی هیئت رئیسه است.

پیشنهادها

۱- با توجه به این‌که بیشتر دانشجویان در پژوهش حاضر تجارب و دیدگاه مثبتی از روش‌های تربیتی دانشگاه علوم انتظامی امین نداشتند باید کوشید تا با حذف روش‌های تربیتی غلط و آسیب‌زا و ارتقاء و به‌کارگیری روش‌های تربیتی مفید و نیز استفاده از فرماندهان و مربیان تربیت بدنی مجرب و آشنا با اصول و فنون تربیت بدنی و شیوه‌های تربیتی مؤثر و اثربخش، احساس شادی و نشاط و رضایت در دانشجویان در این دانشگاه را توسعه داد.

۲- پیشنهاد می‌شود با حضور کلیه فرماندهان صف، نتایج حاصل از این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد تا با اطلاع از یافته‌ها در رویکرد تربیتی و روش‌های تربیتی خود تجدید نظر کنند.

۳- توانمندی در زمینه‌های علمی و ورزشی نیازمند پشتکار و علایق و استعداد فردی است؛ بنابراین لازم است که توجه به توانمندی و علایق و استعداد دانشجویان با دقت و حساسیت بیشتری صورت گیرد و در این زمینه فقط به چارچوب‌ها و قوانین و چک‌لیست‌های تهیه شده اکتفا نشود، بلکه متناسب با هر دانشجو و در حوزه‌ها و زمینه‌های مورد علاقه ارزیابی لازم و مناسب به‌عمل آمده و کار گمارده شوند.

۴- به‌کارگیری روش‌های تربیتی اثربخش و کارآمد در ارتقای فرایند آموزشی و تربیتی دانشجویان.

۵- در این پژوهش به بررسی احصاء و تبیین روش‌های آسیب‌زای تربیت در دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی امین از نگاه دانشجویان پرداخته شده است. پیشنهاد می‌شود این روش‌ها از منظر اعضاء گروه علوم تربیتی، فرماندهان صف و مدیران ارشد دانشگاه نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۶- پیشنهاد می‌شود که برای افسران صف دانشگاه دوره‌هایی برگزار شود و در آن دوره‌ها به موضوع تشویق و آسیب‌های آن پرداخته شود و از شیوه‌های ایفای نقش و سناریونویسی، ابعاد مختلف این روش تربیتی تبیین شود.

۷- مدل ارزیابی تربیتی فرماندهان تبیین شود تا به وسیله آن بتوان حدود و ثغور اجرای روش‌های تربیتی توسط آنان را اندازه‌گیری کرد.

۸- توسط معاونت طرح و برنامه دانشگاه اقدام لازم در خصوص ایجاد اداره ارزیابی عملکرد تربیتی فرماندهان صف در ساختار مشاغل، از طریق حوزه مرکزی ناجا به عمل آمده تا بتوان عملکرد فرماندهان را همانند دانشجویان رصد کرد.

منابع

- باقری، خسرو (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- بهشتی، محمد و همکاران (۱۳۷۷). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد (۱۳۹۱). تربیت اخلاقی. قم: پژوهشگاه همکاری حوزه و دانشگاه.
- حقیقی، نرگس (۱۳۹۰). نقش تشویق و تنبیه در تربیت فرزندان. تهران: رشد.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۲). راهکارهای تربیتی دینداری دانشجویان. مجله روان‌شناختی دانشگاه تهران. قابل بازیابی از:
<https://japr.ut.ac.ir/article/52565>
- رحیمی، عباس (۱۳۸۶). زندگی موفق. چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- رفیعی محمدی، علی محمد (۱۳۹۲). بیست اصل در تربیت: اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان. قم: انتشارات رسول اعظم (ص)، چاپ دهم.
- رضائی‌نژاد، رحیم؛ پناهی، مهریه؛ میریوسفی، سیدجلیل؛ نیازی، سیدمحمد (۱۳۹۱). مقایسه نیازهای جسمانی، مهارتی، شناختی و عاطفی دانش‌آموزان دختر مدارس ایران در درس تربیت بدنی و ورزش. دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال دوم (۱۹)، صص ۷۹-۹۸. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/fa/Journal/198200>
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱). روش‌های تربیت در قرآن. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ساسانی، ماهرخ (۱۳۸۹). راهنمایی و مشاوره در نهج‌البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۲). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- صادقی، منصوره‌سادات (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت دینی با میزان مذهبی بودن والدین، مطالعات اسلام و روان‌شناسی ۱ (پاییز و زمستان)، صص ۱۱-۳۲. قابل بازیابی از:
<https://www.magiran.com/paper/508460>
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۷). مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه.

- کدیور، پروین (۱۳۸۹). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مرجانی خلیل‌آباد، زهرا (۱۳۸۷). نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: آگاه.
- میلتن برگر، ریموند (۱۳۸۷). شیوه‌های تغییر رفتار. ترجمه علی فتحی آشتیانی و هادی عظیمی آشتیانی، تهران: سمت.
- نجات‌بخش، لیلا (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با سلامت روان بر اساس نظریه ایماگو در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- هرگنهان، بی. آر؛ متیو اچ. السون (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: دوران.
- هلیسون، دونالد (۱۳۸۱). اهداف و راهبردها در آموزش تربیت بدنی. ترجمه محسن حلاجی، دفتر تحقیقات و توسعه. معاونت تربیت بدنی و تندرستی آموزش و پرورش.
- Michael & Green, R. Sonia (1987). Parental attitudes toward physical Education, Physical Educators, fall, 44 (3), pp 344-348. 5.